

روند انتخابات مجلس شورای ملی در دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ شمسی

(مطالعه موردی کرمانشاه)

ابتهاج سلیمی^۱

چکیده

دهه ۱۳۴۰ ش. با توجه به تغییر و تحولاتی که در ارکان اقتصادی، اجتماعی و مناسبات سیاسی کشور به وجود آمد، حائز اهمیت فراوانی است. با آغاز اصلاحات، واکنش بین دولت، ملت و به‌ویژه علما تشدید و آنان در مقابل پروژه‌های اصلاحی از خود مقاومت نشان دادند. انتخابات این دوره هم‌زمان با تحولات مزبور به‌وقوع پیوست. استان کرمانشاه واقع در غرب کشور نیز تحت تأثیر این وقایع و تحولات در انتخابات سهمیم شد و چون یکی از شهرهای وسیع و دارای اراضی گسترده بود محل بسیار مناسبی برای انجام تبلیغات دولتی به حساب آمد. تحقیق حاضر، نگاه تازه‌ای به دورنمای انتخابات مجلس شورای ملی در شهر کرمانشاه با توجه به وضعیت و کنشگران اصلی این شهر دارد. این مقاله با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای، به واکاوی وضعیت سیاسی و اجتماعی انتخابات در کرمانشاه پرداخته و درصدد پاسخ به این سؤال است که روند انتخابات مجلس شورای ملی در کرمانشاه، به چه صورت بوده است. به نظر می‌آید در این برهه، اصلاح و انقلاب قابل توجهی در برگزاری انتخابات نه تنها در حوزه کرمانشاه، که در سایر حوزه‌های کشور نیز ایجاد نشد و به موازات تغییر شکل‌بندی اقتصادی و اجتماعی جامعه، نمایندگانی وابسته و از حزب خاصی از این حوزه انتخابیه به مجلس راه یافتند.

واژه‌های کلیدی: محمدرضا شاه پهلوی، انقلاب سفید، نمایندگان مجلس شورای ملی، کرمانشاه.

The process of the National Assembly elections in the decade of 1340 to 1350 (Case study of Kermanshah)

Ebtehajsalimi¹

Abstract

Elections in the 1340s took place at the same time as various developments in Iran. These reforms were proposed under the title of "White Revolution" and many conflicts between the government, the nation and especially the scholars followed. Kermanshah province, located in the west of the country, also participated in the elections under the influence of these developments, and because it was one of the large cities with vast lands, it was considered a very suitable place for government propaganda. The current research has a new look at the outlook of the parliamentary elections in Kermanshah city, considering the situation and the main activists of this city, which is the subject of this article. Using the descriptive-analytical method and referring to authentic documents, this article analyzes the political and social situation of the elections in Kermanshah and tries to answer the nature of the factors involved in the holding of the National Assembly elections in the decade of reforms? The findings show that, at this time, a significant reform and revolution in the matter of holding elections not only in Kermanshah district, which was not established in other districts of the country, and parallel to the economic and social transformation of the society, affiliated representatives and A certain party entered the parliament from this constituency.

Keywords: Mohammad Reza Shah Pahlavi, White Revolution, National Assembly representatives, Kermanshah.

1. Assistant Professor, Department of History, Payame Noor university, Tehran, Iran.

مقدمه

پروژه بلندپروازانه و گسترده انقلاب شاه و ملت، نقش مهمی در برهم زدن مناسبات داخلی و خارجی مملکت داشت. در این راستا، برای به دست آوردن اعتماد مردمی، اقدامات زیادی انجام شد. انتخابات مجلس بیستم که با تقلب علنی و گسترده مأموران دولتی برگزار شده بود، در نتیجه نارضایتی عمومی از سویی و کاردانی علی امینی که نمی‌خواست زیر نظر نمایندگان گلچین شده و وابسته به دربار و شاه باشد، از سوی دیگر، باطل شد. در نتیجه با ایجاد فضای نسبتاً باز سیاسی، برخی از جریان‌ها و احزاب سیاسی دهه‌های پیشین مجدداً به عرصه برگشتند.

در این دهه، علاوه بر انتخابات پایتخت، در دیگر حوزه‌های انتخاباتی شهرها و استان‌های کشور همین موضوع از فحواي شکوائیه‌ها و مدارک باقی‌مانده به چشم می‌آید. کرمانشاه از جمله این حوزه‌ها بود که با آغاز اصلاحات تندروانه، همگام با علما و سایر مخالفان در اقصی نقاط کشور واکنش نشان داد. دغدغه اساسی این تحقیق، بررسی و واکاوی عواملی است که در زمینه انتخابات در این دهه و نحوی برخورد حکومت، مالکین و مأموران در کرمانشاه و برخی از شهرهای تابع آن است که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای با هدف واکاوی و بررسی روند سیاسی اجتماعی این انتخابات در دوره مذکور می‌باشد این پژوهش درصدد پاسخ به این پرسش است که روند برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی در کرمانشاه در دهه ۱۳۴۰ش. به چه صورت بوده است. فرضیه این است که در دهه اصلاحات انتخابات مجلس در کرمانشاه به‌مانند دیگر حوزه‌ها، ماهیتی نمادین پیدا کرد و دخالت‌های دولت و تخلفات انتخاباتی برای گزینش نامزدهای موردنظر برای رسیدن به امیال خود شدت بیشتری یافت و مجلس به نهادی غیرفعال و محلی برای امضاء و تأیید بدل گردید. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که انتخابات مجلس در حوزه کرمانشاه به‌مانند اکثر حوزه‌های انتخابیه کشور، از ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ش، از آزادی

نسبی برخوردار بوده، اما با براندازی دولت دکتر مصدق، سرکوب مخالفان داخلی و تعطیلی احزاب نیمه‌مستقل سیاسی، برخلاف قانون انتخابات، حکومت به مداخله گسترده پرداخته و به هنگام تجدید انتخابات، فهرست کاندیداهای معتمد دربار به مقامات دولتی و محلی داده می‌شد تا آنها را به‌عنوان نماینده منتخب به مجلس معرفی نمایند.

پیشینه پژوهش

هرچند درخصوص موضوع انتخابات مجلس شورای ملی در ادوار مختلف تا به حال پژوهش و آثار زیادی از جمله کتاب «نخبگان سیاسی در ایران»، نوشته زهرا شجعی و کتاب «از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار مجالس قانون‌گذاری»، از یونس مروارید، تألیف شده است؛ اما در مورد جریان‌های سیاسی، اجتماعی انتخابات مجلس شورای ملی در دهه اصلاحات در حوزه کرمانشاه اثر مبسوطی به رشته تحریر درنیامده است و تنها تحقیق قابل‌ارائه در این حوزه کتاب اردشیر کشاورز و علی ططری می‌باشد که در مجموعه‌های «اسناد انتخابات کرمانشاهان»، تنها به بازخوانی و انتشار اسناد موجود در مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی همت گمارده‌اند، محمدعلی سلطانی در کتاب «انجمن‌ها و احزاب سیاسی کرمانشاه: نیز تنها به ذکر کلیاتی از فعالیت جریان‌ها و نیروهای سیاسی در این شهر و در جلد دوم به معرفی بعضی از فعالان و پرداختن به مسئله احزاب بسنده کرده است. کتاب انقلاب اسلامی در کرمانشاه از روح‌الله بهرامی نیز یکی از منابع تحقیقاتی، علمی و مستند درباره تاریخ معاصر کرمانشاه از انقلاب مشروطه تا وقوع انقلاب اسلامی و سال‌های آغازین دوره جمهوری اسلامی می‌باشد. بهرامی در برخی از صفحات جلد اول و دوم این کتاب به امر انتخابات و ویژگی‌های حیات عمومی در کرمانشاه اشاراتی کرده است. باین‌حال این اثر به مسئله اصلی که نشان‌دادن نقش این شهر در پیروزی انقلاب اسلامی می‌باشد، توجه و تمرکز دارد. لذا با توجه به خلأ

پژوهشی و به‌رغم اهمیت موضوع سعی بر آن شد که بیشتر به رویکردهای سیاسی و اجتماعی انتخابات شورای ملی در کرمانشاه توجه گردد. مقاله پیش‌رو، با روش توصیفی-تحلیلی و تکیه بر اسناد و پژوهش‌های معتبر کتابخانه‌ای، درصدد نشان دادن و واکاوی روند برگزاری انتخابات مجلس در شهر کرمانشاه در دهه موردنظر و موضوعات مربوط با آن است.

۱- دورنمای کلی ایران در آستانه شروع دههٔ چهل

این دوره در تاریخ پهلوی و تحولات منتهی به انقلاب اسلامی، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ زیرا ریشه این حادثه عظیم در تغییرات اجتماعی، اقتصادی و مسائل داخلی ایران، در این دهه نهفته است. سیاست‌های رژیم پهلوی در راستای تغییر اقتصاد و ساختار طبقاتی در بخش‌های شهری، روستایی و عشایری و تنظیم برنامه‌های توسعه ایران برای رسیدن به نظام سرمایه‌داری، نظم سنتی جامعه را بر هم زد. مسئله پر سروصدای انقلاب شاه و ملت و اجرای مواد مختلف آن در کنار جریان‌های سیاسی، زمینه و بستر مخالفت روحانیت شیعه و طبقه متوسط سنتی در برابر برنامه‌های نوسازی غیربومی، فراهم و موانعی بر سر راه اجرای خواسته‌های شاه ایجاد نمود. درگذشت آیت‌الله بروجردی، که از بزرگ‌ترین مخالفان برنامه‌های نوسازی بر اساس مدل‌های غیربومی به شمار می‌رفت، از مهم‌ترین این رویدادها بود؛ چرا که مانعی بزرگ از سر راه اصلاحات موردنظر او و نوسازی غرب‌گرایانه شاه برداشته شد (مقصودی، ۱۳۹۵: ۳۵۶).

دیگر موضوع مهم، علی‌امینی، با همکاری حسن ارسنجانی، اصلاحاتی را برای مبارزه با فساد آغاز کرد و شاه را متقاعد ساخت که برای آرام کردن مردم، باید عده‌ای را برکنار کند. او ابتدا مجلسین را منحل کرد، اقدامی که توهین به شاه و سناتورهای منصوب او تلقی شد.

سپس، با بازداشت برخی از امرای ارتش، گروه دیگری را به مخالفان خود افزود (بهزادی، ۱۳۷۵: ۹۴؛ آبادیان، ۱۳۸۷: ۱۷۹-۱۷۸).

از دیگر برنامه‌های دولت او، اصلاح وضع اقتصاد مملکت بود و همچنین درباره ورشکستگی اقتصادی کشور و خالی بودن خزانه و به ویژه فساد مسئولین بحث نمود (طلوعی، ۱۳۸۱: ۹۳؛ لاینگ، ۱۳۷۱: ۲۹، ۲۲۷). نکته مهم درباره زمامداری امینی، عدم مقبولیت عمومی بود در این میان، جبهه ملی دوم این نقیصه را بیش از سایرین بهانه و دستاویز خود نمود و عدم برگزاری انتخابات را مخالف اصل ۴۸ قانون اساسی، دانست و بر ضد آن به تبلیغ پرداخت (امینی، ۱۳۸۶: ۴۰۱). اما امینی گوش شنوایی در برابر پیشنهادات و انتقادات جبهه ملی نداشت (آذرنگ، ۱۳۸۶: ۲۳۱؛ سنجابی، ۱۳۶۸: ۲۱۳-۲۱۲) بنابراین، با محاسباتی که انجام داده بود، ابتدا قصد داشت اصلاحات را انجام داده، سپس انتخابات جدید را که با ادوار پیشین تفاوت بنیادینی داشته باشند، برگزار نماید. او به هنگام سفر به حج به خبرنگاران گفته بود: «صحبت انتخابات را نکنید که حج من باطل می‌شود» (اطلاعات، ۱۳۴۱: ۱/۱۰۷۹۳). اما سیر حوادث به گونه‌ای بوده که آن‌طور امینی می‌پنداشت، پیش نرفت و در جنگ قدرت علیه شاه، بازنده شد (یادداشت‌های سیاسی ایران ۱۳۸۹: ۱۴/۱۳۴۴-۱۲۶۰؛ آبراهامیان، ۱۳۸۸: ۵۲۱). دیگر مسئله مهم، فعالیت احزاب بود. نظام تحزب در دوره سوم حیات احزاب سیاسی در ایران، احیا شده و چندین حزب به وجود آمد. شاه رژیم‌های تک‌حزبی را «فاشیستی» نامیده بود (مراسان، ش. بازیابی ۱۳۶۳: ۵). حذف امینی و نخست‌وزیر وابسته‌ای چون علم که با سرکوب مخالفان و قیام مردمی همراه بود، به این دوره از حیات احزاب و جریان‌های سیاسی خاتمه داد در ابتدا جبهه ملی دوم همه احزاب سیاسی طرفدار مصدق و نهضت ملی ایران یعنی حزب ایران و جناح منشعب از آن، حزب مردم ایران و حزب ملت ایران را دربر می‌گرفت (مدیرشانه‌چی، ۱۳۷۵: ۹۱-۸۹؛ کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۶۲). این دوره از حیات احزاب، مقطعی کوتاه بوده و با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ خاتمه پذیرفت. بنابراین با آغاز انتخابات مجلس

بیست‌ویک، جریان‌های سیاسی و احزاب نقش چندان تأثیرگذاری در روند آن نداشتند. باتوجه به اینکه احزاب ملیون و مردم نتوانستند مورد اعتماد مردم واقع شوند، کانون مترقی و حزب ایران نوین هم از تحولات این دوره سربرآوردند (مراسان، ش. بازیابی: ۸: ۸۰). با شروع دهه ۱۳۴۰ش. کانون مترقی تشکیل شده و اساسنامه آن به تصویب رسید. دیری نپائید که این کانون تبدیل به مرکز تجمعی از گروه‌های مختلف تحصیل کرده و روشنفکر شد و گروه معتنابهی از اعضای آن با تأیید حاکمیت توانستند در شهریور ۱۳۴۲ روانه مجلس شوند و پایه‌گذار حزب و فراکسیون ایران نوین در مملکت و مجلس شدند؛ حزبی که در دوره مجلس بیست و یکم و مجلس مؤسسان سوم و انجمن‌ها، اکثریت قاطع دارد و پایه‌گذار نظام صحیح حزبی در مملکت شد (میرعلاء، ۱۳۴۹: ۱۳۱) و به‌شدت موردحمایت شاه نیز قرار داشت (اطلاعات، ۱۳۴۲: ۱۵/۱۱۲۵۳). منصور، رئیس کانون مترقی اعلام کرده بود که هدف از تأسیس حزب ایران نوین، این است تا تحولات ناشی از انقلاب ششم بهمن را به ثمر برساند (اطلاعات، ۱۳۴۲: ۱۶/۱۱۲۵۳). بعد از آنکه کانون مترقی به مجلس راه یافته و ائتلاف ششم بهمن را به وجود آورد، خود را برای ورود به فعالیت‌های حزبی و کنشگری سیاسی آماده کرد. در ۲۸ آبان ۱۳۴۲ موجودیت «حزب ایران نوین» را در مجلس اعلام کرد و شاه هم دستور همه‌گونه مساعدت را صادر نمود (حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۰: ۱۵۹/۱). درنهایت با استفاده از این موقعیت در ۱۷ اسفند ۱۳۴۲ در انتخابات بعد، حزب ایران نوین و وکلای وابسته به آن به مجلس راه پیدا کردند.

از اولین اقدامات رژیم در راستای تغییر و نوسازی در کشور و تضعیف اقشار اجتماعی سنتی، طرح و اجرای لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی بود که از نظر هیئت وزرا گذشت و با صلاحدید شاه که تصور می‌کرد در شرایط بعد از آیت‌الله بروجردی نهاد مرجعیت رو به ضعف گذاشته، در ۱۴ مهر ۱۳۴۱ در شرایطی که مجلس شورای ملی تعطیل بود، به‌طور غیرقانونی در هیئت دولت تصویب و علم مسئول اجرای آن شد. در این لایحه سه نکته به

چشم می‌خورد که سریعاً واکنش و حساسیت علما را برانگیخت: حذف شرط دارا بودن دین اسلام از شرایط انتخاب‌کنندگان و انتخاب‌شوندگان؛ سوگند به کتاب آسمانی در مراسم تحلیف نمایندگان به‌جای قرآن کریم؛ تجدید قرارداد کاپیتولاسیون، هم مزید بر علت شده و انتشار این اخبار در جراید تهران منجر به اعتراض علنی روحانیت مبارز گردید (آبادیان، ۱۳۸۷: ۲۶۰؛ ملائی‌توانی، ۱۳۸۹: ۱۴۸). از نگاه حجت‌الاسلام محمدعلی فلسفی نیز هدف آمریکا از تصویب انجمن‌های ایالتی و ولایتی در دولت علم این بود که فرقه ضالّه بهایی را قانوناً بر سرکار آورده و از آن به بعد، به‌تدریج فعالیت رسمی آنها برای تصرف تمام اهرم‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آغاز شود (فلسفی، ۱۳۷۶: ۲۳۶).

در ادامه تحولات پایانی سال ۱۳۴۱ ش. طبق نظر علما، در روز اول فروردین ۱۳۴۲ در مدرسه فیضیه قم که مهم‌ترین مرکز دینی ایران و بزرگ‌ترین محل تحصیل طلاب علوم دینی به شمار می‌رفت، مراسم عزاداری برپا شد. مقامات امنیتی رژیم قبلاً خود را برای برخورد با مخالفین آماده کرده بودند. (مراسان، تلگراف ش ۸۱۰۵، ۱۳۴۱/۱۲/۲۸) در روزهای بعد تنش ملت به رهبری علما با دولت، افزایش بیشتری یافت. نقطه اوج این حوادث در ۱۵ خرداد ۴۲ بود. با انتشار خبر دستگیری امام خمینی موضوع تشدید شد (محتشمی، ۱۳۷۶: ۲۸۰-۲۸۱؛ امجد، ۱۳۸۰: ۱۳۱). در نتیجه آنان برای مقابله با مخالفین تدابیری به کار بردند. معترضین با شعار «یا مرگ یا خمینی» نسبت به اقدامات رژیم واکنش نشان دادند (فردوست، ۱۳۶۹: ۵۱۳-۵۱۱؛ دهنوی، ۱۳۶۰: ۸۲-۸۴). به هر طریق، روحانیت نقش فائقه خود را در جامعه مدنی به دست آورد و توانست دولت را مجبور کند تا به اقتدار دینی‌اش احترام بگذارد. (کمالی، ۱۳۸۱: ۱۸۵-۱۸۶). بعد از این رخداد تاریخی، تا اواخر دهه ۱۳۴۰ ش. آرامش نسبی در کشور برقرار شد و بدون شک در این فضای آرام قبل از طوفان، شاه و ایادی او بر امر انتخابات مجلسین غلبه کاملی داشتند.

۲- برگزاری انتخابات مجلس بیست و یک شورای ملی

چنانچه گفته شد، در زمان نخست‌وزیری علم حوادث مهمی رخ داد، از جمله محاکمه سران نهضت آزادی و برپایی کنگره آزادزان و آزادمردان با ریاست احمد سمیعی (شهردار تهران) و گزینش نامزدهای مجلس بیست و یکم و گشایش مجلس بود (نجمی، ۱۳۷۳: ۲۷۳-۲۷۱؛ عاقلی، ۱۳۷۴: ۹۵۱/۳-۹۲۸). هدف اصلی شاه از سپردن مقام نخست‌وزیری به وی، اجرای برنامه‌های اصلاحی و پروژه‌های بلندپروازانه بود. در نهایت محمدرضا شاه، اصول شش‌گانه انقلاب سفید را قرائت کرد (الموتی، ۱۳۵۷: ۴۷/۳؛ زونیس، ۱۳۷۱: ۲۶۸). این تحولات نقش پررنگی در تکوین جریان اصلاحات و سیر حوادث در سال‌های دهه ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ ش. داشت.

در دولت علم، چند اصل اصلاحی در قانون انتخابات به وجود آمد؛ اول آنکه طبق این اصلاحیه، بانوان پس از ۵۸ سال که از تدوین اولین قانون انتخابات مجلس می‌گذشت، صاحب حق انتخاب گردیدند و برای اولین بار زنان را که از این حق سیاسی و اجتماعی محروم می‌ساخت، حذف شد (ساکما، ۱۱۹۲۹۲/۲۹۳). شاه در سخنرانی خود در کنفرانس اقتصادی مجلس سنا اعلام کرد، مفهوم دموکراسی قبل از هر چیز، این است که همه افراد کشور حق رأی داشته باشند و در مسائلی که مربوط به سرنوشت آنهاست، اظهارنظر کنند (پهلوی، ۱۳۴۵: ۱۰۴-۱۰۳). بدین ترتیب، زنان در حوزه سیاسی شهروند به حساب آمدند (بامداد، ۱۳۴۷: ۱۳؛ احمدی‌خراسانی و اردلان، ۱۳۸۲: ۴۲۵). روزنامه اطلاعات بانوان، شرح مفصلی از تشکیلات و انجمن‌های منظم آمریکایی برای حمایت از برابری حقوق زنان و مردان آورد تا کنشگران حوزه زنان را به تأسیس چنین تشکیلاتی ترغیب نماید (اطلاعات بانوان، ۱۳۴۱: ۱۴/۳۰۲). اما به‌ترتیب این تصمیم، رؤیای بسیاری از مشروطه‌خواهان را محقق می‌ساخت. در تاریخ ۵ شهریور ۱۳۴۲ بود که کنگره آزادزان و آزادمردان فهرست کاندیداهای این نهضت را برای سراسر کشور منتشر کرد (رنجبرعمرانی، ۱۳۸۵: ۸۵). بعد از تغییراتی که در

آئین‌نامه انتخابات لحاظ شد، دستور تهیه کارت‌های الکترا ل صادر شد (اطلاعات، ۱۳۴۲: ۱۶/۱۱۰۸۹). در ۲۶ شهریور ۱۳۴۲ انتخابات در تمامی حوزه‌های کشور به سرعت آغاز (خواندنی‌ها، ۱۳۴۲: ۶/۱۰۴) و نتیجه آن طی یک روز اعلام گردید؛ درحالی‌که اعلام نتایج انتخابات دوره‌های گذشته از سه هفته تا سه ماه طول می‌کشید. موضوع مهم دیگر اینکه برای نخستین بار پس از مشروطه و استقرار نهاد قانون‌گذاری در ایران، شش زن به مجلس راه یافتند؛ نیره ابتهاج سمیعی از رشت، هاجر تربیت از تبریز، شوکت ملک جهانبانی و فرخ رو پارسا از تهران، مهرانگیز دولتشاهی از کرمانشاه و نزهت نفیسی از بافت انتخاب و هدف خود را کمک به اجرا شدن لوایح شش‌گانه شاه اعلام کردند (اطلاعات بانوان ۱۳۴۲: ۱-۲/۳۳۳). حزب ایران نوین با انتشار بیانیه‌ها، وعده‌هایی در خصوص حمایت از حقوق زنان در حوزه‌های مختلف داد و کوشید تا پشتیبانی خود را از زنان عضو افزایش دهد. این حزب مدعی بود که زنان عضو این حزب مطالعات گسترده‌ای در زمینه احقاق حقوق زنان آغاز کرده‌اند و به‌زودی لویحی برای تصویب به مجلس ارائه خواهند داد. (شاهدی، ۱۳۸۷: ۳۱۸-۳۱۷)

اما جدای از این موضوعات در روند برگزاری انتخابات مجلس بیست و یکم، کارشکنی‌ها به‌مانند دوران پیشین ادامه پیدا کرد (گازیوروسکی، ۱۳۷۱: ۳۲۹). در نتیجه موجی از شکوائیه‌ها و انتشار اعلامیه از جانب فعالین سیاسی و روحانیت و حتی مردم عادی بر ضد این انتخابات در پایتخت به راه افتاد. حزب زحمتکشان و طرفداران مظفر بقایی آئین‌نامه جدید را یک خدعه مسخره‌آمیز برای ایجاد مجلسی قلابی دانست (ساکما، ۲۹۳/۲۵۲۳). جبهه ملی این انتخابات را ننگ مشروطیت و فاقد اعتبار و ارزش دانسته (ساکما، ۲۹۲/۱۲۳۹) و اعلامیه‌های تندی مبنی بر اینکه، انتخابات دوره بیست و یکم مجلس سرپوشی است که بدان وسیله، دستگاه قصد دارد بر روی بحران اجتماعی و اقتصادی ایران بگذارد (ساکما، ۲۹۷/۵۲۴۷). بااین‌حال، در چنین شرایطی بود که انتخابات تهران و سایر شهرها برگزار شد. به قول علم:

«کسانی که قبلاً به حساب نمی آمدند، این بار به حساب آمدند» (خواندنی‌ها، ۱۳۴۲: ۴/۱۰۰). چون مجلس ظاهری متفاوت داشت و سن ۸۰ درصد نمایندگان جدید بین سی تا پنجاه سال بود و برای نخستین بار به مجلس راه یافته بودند (مروارید، ۱۳۷۷: ۷۰۹/۲). از دیدگاه موافقین این انتخابات تاج انتخابات ادوار گذشته بود و دولت برنامه‌های خود را به تصویب رسانید (بازرگان، ۱۳۷۶: ۸۲؛ یادداشت‌های سیاسی ایران، ۱۳۸۹: ۸۶۹/۱۴).

۳- اوضاع داخلی کشور در نیمه دوم دههٔ چهل و بسترهای تجدید انتخابات

نیمه دوم دههٔ ۱۳۴۰ش رژیم پهلوی آرام‌ترین سال‌های حیات خود را تجربه می‌کرد. توجه رژیم این بود که انحصار قدرت سیاسی تنها راه ممکن برای جبران عقب‌ماندگی همه‌جانبهٔ مملکت و نوسازی جامعه است. او اعتقاد داشت که کشور محتاج به یک انقلاب ریشه‌ای است تا بدان وسیله موانع توسعه و عوامل عقب‌ماندگی و تمامی بی‌عدالتی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی را از بین ببرد (Mooadel, 1993: 63). از طرفی اجرای اصلاحات اجتماعی و اقتصادی راه را برای ایجاد تغییرات و شکل‌بندی جامعه و شیوه تولید فراهم کرد. تکنوکرات‌ها و بوروکرات‌های جوان و تحصیل کردهٔ غرب در این دهه وارد سامانهٔ اداری کشور شدند. اپوزیسیون داخلی نیز سرکوب شده و رجال و کارگزاران قدیمی و منتقد همه به‌نوعی از گردونه خارج شده بودند (کاتوزیان، ۱۳۹۴: ۲۸۵). هدف اصلی شاه از به خدمت گرفتن این افراد طبقهٔ متوسط و واگذاری پست‌های مختلف به آنان، این بود بفهماند رژیم او استبدادی نیست و هویدا، آن را نشانهٔ کوشش شاه و تعهد او در اجرای برنامه رفورم اجتماعی در ایران تبلیغ می‌کرد (نجاتی، ۱۳۶۵: ۳۱۸). از طرفی پشتیبانی آمریکا در این سال‌ها از محمدرضا شاه پهلوی و حکومت ایران به دو علت افزایش پیدا کرد و به‌منظور ترغیب کمک مالی آمریکا، شاه به آنجا سفر کرد و وابستگی به آمریکا تعمیق پیدا کرد (بشیریه، ۱۳۹۵: ۶۳). دوم آنکه جنگ سرد زمان اوج خود را سپری می‌کرد و ایران در جبهه‌بندی علیه اتحاد جماهیر شوروی

هر روز جایگاه مستحکم‌تر و مهم‌تری می‌یافت (لیلاز، ۱۳۹۲: ۱۳۴-۱۳۳). در چنین شرایطی هویدا پست نخست‌وزیری را به دست گرفت که هر چه «شاه مرتب به بودجه‌های عمرانی توپ می‌زد، هویدا مقاومتی نشان نمی‌داد» (عالیخانی، ۱۳۸۵: ۲۲۵). بخش اعظم این بودجه را شاه علاوه بر حوزه تأسیسات نفتی، به ارتش و نیروهای نظامی اختصاص می‌داد. زیرا می‌خواست به بهره‌برداری از شرایط جهانی، در خاورمیانه قدرت را قبضه نماید و برای چند سال این‌طور نیز شد.

در چنین شرایطی بود که با خاتمه دوره بیست و یکم، فرمان تجدید انتخابات با شرکت احزاب محدودی از نیروهای سیاسی طرفدار دولت صادر شده و رقابت‌های انتخاباتی آغاز گردید. حزب مردم که از جناح‌های سیاسی دولتی و رسمی مهم کشور، به شمار می‌رفت برای به دست گرفتن مجلس آینده به تکاپو افتاد. روزنامه مهر ایران، ارگان حزب مردم از دی‌ماه ۱۳۴۴ از این تلاش برای برتری بر همگنان سخن گفت (مهر ایران، ۱۳۴۴: ۱/۲۵۲۹). در ماه‌های بعدی دیگر احزاب مانند حزب ایران نوین و نیروهای سیاسی به این گونه رقابت‌ها وارد شدند. جمع زیادی از منتظرالوکاله‌ها برای پیروزی در رقابت‌ها به صورت ظاهری خود را به این احزاب منتسب کردند (خواندنی‌ها، ۱۳۴۵: ۵/۳).

در این دوره که قرار بود سه انتخابات مجلس سنا، شورای ملی و مؤسسان باهم در یک روز برگزار شود، تدابیری اندیشیده شد که کلیه دستگاه‌ها دولتی بتوانند وظایف خود را به‌درستی انجام دهند. بنابراین روز جمعه سیزدهم مرداد ماه ۱۳۴۶ که مقارن با سالروز جشن مشروطیت بود، برای اخذ آراء تعیین شد (ندای ایران نوین، ۱۳۴۶: ۱/۶۴۱). حمایت‌های علنی شاه و هویدا از حزب ایران نوین که درصدد تداوم برنامه‌های توسعه و نوسازی بودند تا وقفه‌ای در روند آن ایجاد نشود، نقش پررنگی در پیروزی آن در این مرحله از انتخابات داشت. (مروارید، ۱۳۷۷: ۸۷۵). بسیاری از مردم اعتقاد داشتند در این شرایط، رأی فردی آنها در انتخابات تأثیری نخواهد داشت. اما کارمندان دولت عضو حزب ایران نوین، بسیار امیدوار

بودند (خواندنی‌ها، ۱۳۴۶: ۱۱/۸۷). بعد از فراهم‌شدن مقدمات تجدید انتخابات، در تهران و شهرستان‌ها، انتخابات در تابستان ۱۳۴۶ برگزار و مجلس گشایش پیدا کرد. در این مرحله نیز تقلب و اعمال فشار فزاینده از جانب نیروهای سیاسی و مأموران دولت ازجمله استانداران، فرمانداران، بخشداران و رؤسای ریز و درشت ادارات دولتی و سرسپردگان به حزب ایران نوین در نقاط مختلف کشور و رجال و کارگزاران حاضر در پایتخت همچون کلّالی، خسروانی، انصاری، برادران رشیدیان و غیره در برگزاری انتخابات و تأیید نامزدها نقش قاطعی داشتند (شاهدی، ۱۳۸۷: ۷۳۵-۷۱۷؛ عاقلی، ۱۳۸۰: ۱۰۰۳).

به لحاظ اقتصادی در ادامه برنامه‌های اصلاحی رژیم، برنامه چهار ساله توسعه به اجرا گذاشته شد و به‌زعم خداداد فرمانفرمائی، بهترین دوره پیشرفت بود و دوره طلای پیشرفت اقتصادی کشور به‌شمار می‌رفت. تورم کنترل‌شده، بنادر گسترش یافته و جاده‌های متعددی احداث گردید (فوران، ۱۳۸۸: ۴۷۹؛ فرمانفرمائی، ۱۳۸۱: ۲۶۴-۲۶۳). در نیمه دوم دهه ۱۳۴۰، شاه گرایش‌های پوپولیستی پیدا کرده بود و توجه او به بخش کشاورزی و مخالفت با بخش خصوصی و مبارزه با گرانفروشی و افزایش نقش دولت در اقتصاد متمرکز شد (لیلاز، ۱۳۹۲: ۱۵۳). از طرفی در نتیجه تضاد و تنش بین رژیم و نیروهای اجتماعی و سیاسی مخالفت به سرکردگی علما و مراجع، بذر نارضایتی و تقابل در کشور افشانده شد. در چنین فضایی بود که انتخابات مجلس دوره بیست و دوم شورای ملی نیز به اجرا درآمد و مجلس بدون ایجاد فترت، در ۱۴ مهر ۱۳۴۶، افتتاح گردید. این مجلس به‌سان دیگر مجالس بعد از ۲۸ مرداد، به محلی برای تصویب لوایح درخواستی شاه که قبل از نمایندگان مجلس، مصوبات روز کشور را از نظر می‌گذراند، تبدیل شد (شجیعی، ۱۳۸۳: ۲۳۷/۴-۲۳۶؛ الموتی، ۱۳۷۱: ۱۴۷/۱۲).

۴- وضعیت سیاسی و اجتماعی کرمانشاه در آستانه شروع دهه ۱۳۴۰

در این دهه کرمانشاه هم تحت تأثیر تحولات کشور، مرحله دیگری از حیات خود را آغاز نمود. برنامه‌های اصلاحی انقلاب سفید، در این شهر نیز به اجرا درآمد. کرمانشاه یکی از شهرهای وسیع، دارای اراضی گسترده و نظام ارباب - رعیتی بود. پس محل بسیار مناسبی برای انجام تبلیغات دولتی به حساب می‌آمد و شاه سعی کرد با تقسیم اراضی و صدور اسناد مالکیت، به جلب توجه مردم منطقه بپردازد. با این هدف، در آبان ۱۳۴۱ برای افتتاح اصلاحات ارضی به کرمانشاه سفر نمود و با برگزاری سخنرانی، به مردم اطمینان داده که با اجرای برنامه اصلاحات ارضی، رفاه دهقانان را فراهم و از متنفذین و ملاکین خلعید و به رعایا آزادی بیشتری خواهد داد و در آینده نزدیک از ماشین‌آلات کشاورزی و شرکت‌های تعاونی برخوردار خواهند شد و خود بر تمامی اقدامات، نظارت مستقیمی دارد (اطلاعات، ۱۳۴۱: ۲۳/۱۰۹۵۰).

عمده مالکین حوزه کرمانشاه که مشمول مرحله اول اصلاحات ارضی شدند، از یک تا بیش از صد قریه را به صورت شش‌دانگ در تملک داشتند، ۴۷ نفر بودند (ساکما، ۲۹۳/۲۴۶۴). عبدالحسین ابوقداره، از عمده مالکان کرمانشاه و ایلام در مرحله اول اصلاحات ارضی ۱۱۸۲۴ هکتار از زمین‌های منطقه هلیلان را به اداره اصلاحات ارضی واگذار کرد (ساکما، ۲۳۲/۶۲۲). در مراحل بعدی هرچند تقسیم زمین‌ها عادلانه نبود و به برخی ده‌ها هکتار و به عده‌ای دیگر یک هکتار واگذار گردید اما این اقدامات برای بسیاری از دهقانان که از ظلم و ستم اربابان خود به تنگ آمده بودند، رضایت‌بخش بود (بهرامی، ۱۳۸۹: ۴۳۸/۱-۴۳۷).

در کنار این عملیات، مصوبات فرهنگی و مذهبی جدید رژیم، موجبات نارضایتی متدینین و روحانیون شهر را برانگیخت و در کرمانشاه تحولاتی شروع شد در این زمان مدرسه علمیه بروجردی شهر کرمانشاه، مرکز فعالیت‌ها و کنش‌های مذهبی به‌شمار می‌رفت و بعد از رحلت آیت‌الله حاج شیخ محمدهادی جلیلی کرمانشاهی، حاج شیخ عبدالجلیل جلیلی به زعامت این مدرسه منصوب شد. او تا سال‌های پس از انقلاب بر این مقام باقی ماند و رهبری

ارشد مبارزات مردمی شهر کرمانشاه در دو دهه پایانی رژیم پهلوی را برعهده گرفت (فلسفی، ۱۳۷۶: ۲۰۱). بنابراین، برای کنترل شهر، تدابیر امنیتی به وسیله مقامات نظامی و انتظامی شدت پیدا کرد و تعدادی از طلاب در این شهر دستگیر شدند. در ادامه این موضوع و رفتار خشونت آمیز مأموران دولتی با معترضین این مصوبات در کرمانشاه، آیت الله شریعتمداری از مراجع مهم نامه‌ای به علم نوشت و خواستار رسیدگی شد. اما ترتیب اثری داده نشد کار به جایی رسید که در کرمانشاه مأمورین دولت، یکی از طلاب را به جرم اینکه تلگراف آقایان علما را همراه داشته است، جلب کردند (دوانی، بی تا: ۱۰۶/۳-۱۰۴). به هر حال، در اواخر سال ۱۳۴۱، اعلامیه تحریم فراندوم از سوی آیت الله خمینی در تهران و دیگر شهرستان‌های کشور توزیع شد (امجد، ۱۳۸۰: ۱۳۱) و با بسته شدن بازارها، تظاهرات گسترده و درگیری‌هایی بین نیروهای امنیتی رژیم با مردم به رهبری علما رخ داد. (روحانی، بی تا: ۳۳۲) این بار رژیم در مقابل معترضین و رهبران مذهبی با خشونت بیشتری رفتار کرد و نیروهای نظامی و امنیتی با آنان درگیر شده و در ادامه جمع زیادی از روحانیون را دستگیر کردند. حادثه کشتار در مدرسه فیضیه و متعاقب آن رخ دادن قیام خونین ۱۵ خرداد در شهر کرمانشاه نیز، بازتاب گسترده‌ای داشت و عده‌ای از مردم به رهبری علما در مقابل رژیم موضع گیری کردند و نهضت اسلامی در این شهر نیز از همین مقطع همگام با سایر نقاط کشور آغاز گردید.

۵- انتخابات کرمانشاه در دوره بیست و یکم

گروه‌ها و اقشار طرفدار تغییر این شهر نیز بودند که نسبت به اقدامات شاه ابزار خوشوقتی و رضایت خاطر کرده و برای شرکت در انتخابات آینده مجلس (دوره بیست و یکم) اعلام آمادگی نمودند. در این راستا، جمعی از فرهنگیان شهر، ضمن تأیید مجدد لوایح شش گانه انقلابی شاهنشاه، با تأکید بر تعیین نمایندگان واقعی، اهمیت آن را اعلام داشتند (ساکما،

۲۹۷/۳۴۱۱۱). این گروه، از اقداماتی که وزارت فرهنگ برای ارتقای نظام آموزشی و معارفی کرمانشاه آغاز کرده بود، اظهار تشکر و قدردانی کردند و پروژه سپاه دانش را اقدامی خیرخواهانه و مفید دانستند. اما نظر به حوادثی که در کشور رخ داده و تنش بین دولت با ملت افزایش پیدا کرد، اندکی از نگاه تحسین‌آمیز عموم به این برنامه‌های ظاهراً مرفقی و خیرخواهانه کاسته شد؛ باوجوداین، رژیم همچنان بر لزوم برقراری انتخابات جدید و گشایش مجلس جهت تأیید مصوبات اصرار می‌کرد، بنابراین به محض برقراری آرامش نسبی در کشور، فرمان برگزاری انتخابات را صادر نمود.

بعد از آنکه رونوشت وزارت داخله و دستور شاه به استانداری کرمانشاه رسید، مقدمات این کار فراهم شد. با وصول تلگراف دولت به شماره ۲۷۵۰۰ به تاریخ ۱۰ شهریور ۱۳۴۲ برای مشخص کردن اعضای اصلی و علی‌البدل انجمن نظارت بر انتخابات، تعداد ۳۶ نفر از نمایندگان طبقات هفتگانه (قانون انتخابات مجلس شورای ملی، ۱۳۲۲: ۵)، روز بعد در محل سالن فرمانداری کرمانشاه با حضور فرماندار شهر، جهانگیر گرجی حاضر شدند. روزنامه خسروی چاپ کرمانشاه در این زمینه نوشت دولت با استفاده از قانون جدید انتخابات که چکیده قوانین کشورهای مرفقی جهان است، انتخابات مجلسین را شروع می‌نماید و مردم باید فعالیت کنند تا مردمی‌متدین و باایمان به مواد شش‌گانه اصلاحی کشور، وطن‌خواه و شاه-دوست به مجلس راه یابند (روزنامه خسروی، ۱۳۴۲: ۴۱/۳۰۹).

نکته قابل‌ذکر اینکه، با توجه به اصلاحیه قانون انتخابات مبنی بر مردمی‌شدن امر انتخابات برای نخستین بار به هنگام تشکیل انجمن نظارت و تعیین نفرات اعضاء، طبقه هفتم یعنی دهقانان نیز انتخاب شدند. این افراد آقایان حسین ضرابی، ایوانیان راد، محمدجواد رحیمیان، لطف‌الله زاده بودند (کشاوری و ططری، ۱۳۹۰: ۶۱۲-۶۱۱). ورود نماینده دهقانان به انجمن به آنان القاء می‌کرد که برخلاف دوره‌های پیشین، نظارت بهتر و دقیق‌تری بر روند اخذ آراء و

شمارش آن اعمال خواهد شد، به‌ویژه بعد از آغاز فاز اول اصلاحات ارضی و تضعیف فئودال‌ها و متنفذین زمیندار، خوش‌بینی زیادی در آنان به وجود آورده بود.

پس از تعیین اعضا، افراد انجمن‌های فرعی در دهستان‌های اطراف کرمانشاه با رعایت وسعت منطقه و موقعیت طبیعی و بعد مسافت بین دهات و تعداد جمعیت، به‌منظور فراهم کردن تسهیلات بیشتری برای آنان که بتوانند در روز ۲۶ شهریور ۱۳۴۲، آرای خود را به صندوق‌های آراء بریزند، اتخاذ تصمیم گردیده (کشاورز و ططری، ۱۳۹۰: ۶۱۸) و تعداد انجمن‌های فرعی در شهر کرمانشاه افزایش پیدا کرد. رئیس انجمن مرکزی اعلام کرد که صندوق‌های مهروموم‌شده در بعدازظهر ۲۵ شهریور در فرمانداری توزیع خواهند شد. بالاین‌حال، در حوزه‌های بیست و دوگانه شهر کرمانشاه و توابع، روز پنج‌شنبه ۱۰ مرداد، برای ثبت‌نام و صدور کارت الکترا ل حاضر شدند. اما برخلاف انتظار، مردم تمایل زیادی نشان نمی‌دادند (روزنامه خسروی، ۱۳۴۲: ۱/۳۰۶).

دربارهٔ برگه‌های اخذ رأی باید گفت، طبق ماده ۲۶ آئین‌نامهٔ اجرایی قانون انتخابات مجلس مصوب تیرماه ۱۳۴۲ کارت انتخاباتی الکترا ل جانشین تعرفه مذکور در ماده ۲۳ قانون انتخابات مجلس شورای ملی دوره‌های پیشین شد. فعالیت‌های تبلیغاتی نامزدهای کرمانشاه از مردادماه شروع شد. برای اجرا و برگزاری انتخابات از نخست‌وزیری، فرامینی به استاندار کرمانشاه، آقای محمد فضایی صادر و در آن تأکید شده بود که به‌علت وضع روستائیان و دهقانان حتماً نسبت به توزیع کارت الکترا ل و تشویق آنان برای شرکت در امر انتخابات با ساواک همکاری لازم را بنمایند و برای رفاه دهقانان در تمام مراکز، شرکت‌های تعاونی روستایی و صندوق‌هایی برای توزیع کارت انتخاباتی بگذارند (کیهان، ۱۳۴۲: ۹/۶۰۳۲). این روش ترفندی دولتی برای جلوگیری از تقلب در انتخابات و ممانعت از مداخلهٔ ملاکین متنفذ محلی در تأیید نامزدهای موردنظر خودشان بود (زندیه، ۱۳۹۷: ۳۴). البته غیر از مداخله ملاکانی که در تقسیم اراضی پیش‌قدم شده بودند و متقابلاً قرار بود مدیران اصلاحات ارضی

و نمایندگان کارگران، کرسی‌نشین این دوره باشند. بنابراین برای نخستین بار در تاریخ پارلمان کشور امر انتخابات از سلطه خوانین و متنفذین فئودال، تا حدود زیادی خارج شد و به حضور زنان در انتخابات توجه گردید (بهنود، ۱۳۶۹: ۴۹۱؛ پیرنیا، ۱۳۷۴: ۱۲۹).

در این دوره دکتر مهرانگیز دولتشاهی، فرزند محمدعلی میرزا مشکوه‌الدوله کرمانشاهی، وزیر پست و تلگراف و تلفن در حکومت سابق، از این فرصت استفاده نموده و برای شرکت در انتخابات پیش‌قدم شد. او از طریق آشنایان، از فردوست قول مساعدت گرفت (پیرنیا: ۱۴۶). دولتشاهی از اعضای اولیه و بنیان‌گذاران کانون مترقی بود که ریاست آن را حسنعلی منصور برعهده داشت (کمام، ش. بازیابی ۶۶۰/د) و قبل از نخست‌وزیری منصور جزء شصت عضو شورای مرکزی نخست، حزب ایران نوین بود (شاهدی، ۱۳۸۷: ۵۰۱). او در جلسه کنگره آزادزان و آزادمردان با منصور ملاقات نمود. منصور پیشنهاد داد بهتر است ایشان در حوزه نمایندگی کرمانشاه فعالیت کنند؛ چون خانواده او سابقه حضور در کرمانشاه را داشته‌اند و نیز پدرش سه دوره از آنجا وکیل شده بود. بنابراین این مسئله نکته مثبتی برای وی شد (مصاحبه شاهرخ مسکوب با مهرانگیز دولتشاهی، پاریس، نوآر، ۱۸ مه ۱۹۸۴: ۱۴۵). او با نظر این افراد و حمایت شاه برای انتخابات، نامزد شد و نام او در فهرست کنگره آزادزان و آزادمردان قرار گرفت (مصاحبه شاهرخ مسکوب با مهرانگیز دولتشاهی، پاریس، نوآر، ۱۸ مه ۱۹۸۴: ۱۵۹-۱۵۸). در بسیاری از حوزه‌ها، وکلا تا قبل از ورود به مجلس، شناخت چندانی از وضعیت حوزه انتخابیه خود نداشتند (نظری، ۱۳۹۵: ۱۲۹). دولتشاهی هم مدت کمی در کرمانشاه زندگی کرده بود (فیروزان، ۱۳۴۳: ۲۴؛ دولتمردان عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، ۱۳۸۵: ۴۷۶). او ابتدا یکی از اقوام کرمانشاهی خود را برای مذاکره با استاندار به آنجا فرستاد تا نتیجه را به وی اعلام نماید (مصاحبه شاهرخ مسکوب با مهرانگیز دولتشاهی، پاریس، نوآر، ۱۸ مه ۱۹۸۴: ۱۴۷). نماینده دیگر که وارد رقابت شد حسین غلام نیاکیان خود، اهل کرمانشاه و کارگر شرکت نفت بود. این رقبا در کرمانشاه با مقامات

محلی و آشنایان خود ملاقات و مقدمات کار را فراهم نموده و در جلب توجه زنگنه‌ها، محمدخان زنگنه و محمدخان سنجابی بسیار کوشیدند (دولت‌شاهی، ۱۳۶۲: ۱۶۰).

فرماندار کرمانشاه با جدیت تمام اوضاع را در کنترل داشت و با رئیس انجمن مرکزی آقای محمدحسین مدنی و تنی چند از اعضاء و رؤسای انجمن‌های فرعی، برای آموزش اعضاء و تشریح وظایف آنها از ابتدا تا پایان انتخابات و اعلام نتایج، چندین جلسه تشکیل داد و همین‌طور به سرکشی تمام انجمن‌های شهر پرداختند. چون برای اولین بار زنان در انتخابات شرکت کرده و پای آنان به حوزه‌های محل اخذ آراء باز شد (کشاورز و ططری، ۱۳۹۰: ۶۳۸).

بعد از پایان انتخابات و شمارش آراء، از حوزه انتخابیه کرمانشاه دکتر مهرانگیز دولت‌شاهی با ۲۵۱۶۸ رأی منتخب اول و آقای حسین غلام نیاکیان ۲۱۵۷۱ رأی نفر دوم شدند (کشاورز و ططری، ۱۳۹۰: ۶۶۲). در جلسه دوم این مجلس، اعتبارنامه وکلای منتخب کرمانشاه بررسی و قرائت شد. دکتر معتمدوزیری مخبر شعبه سوم، در مورد انتخابات کرمانشاه و نمایندگی بانو دکتر مهرانگیز دولت‌شاهی و حسین نیاکیان، گزارش داد و جریان پرونده انتخاباتی بیست و یکمین دوره قانون‌گذاری حوزه انتخابیه کرمانشاه که به موجب دستور تلگرافی ش. ۳۷۵۵ - ۴۲/۶/۹ وزارت کشور در اجرای ماده ۱۴ قانون انتخابات در تاریخ ۴۲/۶/۱۱ طبق دعوت فرماندار ۳۶ نفر از طبقات شش‌گانه و معتمدین محل در فرمانداری اجتماع نموده، پس از انتخاب اعضاء اصلی و علی‌البدل و هیئت‌رئیس و تعیین انجمن‌های فرعی و سایر تشریفات قانونی در روز ۲۶ شهریورماه ۱۳۴۲ اخذ رأی به عمل آمد و بلافاصله شروع به قرائت آراء مأخوذه شد و صحت جریان انتخابات بیست و یکمین دوره قانون‌گذاری حوزه کرمانشاه را تأیید نموده و گزارش آن تقدیم مجلس گردید (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره بیست‌ویک، جلسه ۲، سه‌شنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۴۲).

کمی بعد آیت‌الله خمینی در نتیجه فشار نیروهای مذهبی و دیگر دستجات سیاسی، به طور موقت و تحت نظر از زندان آزاد شد. او با اطلاع از این تصمیم رژیم در نام‌های به آیت‌الله بهبهانی تصریح کرد که باید «جلوی انتخابات مفتضح و دروغین» را گرفت (مراسان، پرونده ش. ۷۹۸: ۲۹-۳۰). با این اتفاقات بار دیگر اوضاع عمومی پایتخت و شهرهای بزرگ به حالت بحرانی درآمد. مراجع (آیت‌الله میلانی و شریعتمداری) در پیام به ملت ایران، علت‌العلل مشکلات را در آزاد نبودن مردم در انتخاب نمایندگان خود دانستند (دوانی، بی‌تا: ۲۰۵). انجمن‌ها و احزاب ریز و درشت جنگ تبلیغاتی گسترده‌ای علیه تصمیم دولت به راه انداختند، اما دولت بی‌توجه به تمام مخالفت‌ها، امر برگزاری انتخابات را به انجام رساند.

۶- اوضاع داخلی کرمانشاه در آستانه برگزاری انتخابات دوره بیست و دوم

به روال سابق، با صدور فرمان انتخابات، در دیگر حوزه‌های انتخاباتی کشور نیز بساط تجدید رقابت‌های انتخاباتی و تکرار سناریوی بدون تنوع مشارکت سیاسی فراهم شد و به شدت تحت تأثیر تحولات پایتخت قرار گرفت. هیئت مصلحین، طلاب علوم دینی و وعاظ آنجا در حمایت از آیت‌الله خمینی، باعث شدت گرفتن اعتصابات و تعطیلی‌ها شد. پس از تبعید امام به ترکیه، دو تن از روحانیون کرمانشاه، شیخ عبدالجلیل جلیلی و شیخ مصطفی جلیلی کرمانشاهی نیز به دیدار ایشان در ترکیه نائل شدند (دوانی، بی‌تا: ۱۳۳/۳). پس از بازگشت علمای کرمانشاه به این شهر، نهضت اسلامی، تداوم بیشتری پیدا کرد. (نجاری‌راد، ۱۳۷۸: ۱۷۳-۱۷۲). از طرفی در نتیجه گسترش دامنه فعالیت آنان، رژیم به چاپ قرآن پهلوی اقدام کرد. در ادامه سازمان امنیت مرکز به ساواک این شهر دستور داد که از هر فرصت لازم برای تبلیغ در این باره استفاده شود. عباس سالور، استاندار وقت نیز علما را برای شرکت در مراسم تجلیل از این اقدام، دعوت کرد (مراسان، ش. بازایی ۲۶۱: ۵۳ و ۵۸). علما و روحانیت آنجا که از سوی امام و دیگر مراجع، مسئول آگاه کردن مردم نسبت به تحولات روز جامعه و

شناساندن ماهیت واقعی رژیم به عموم بودند. اما به هرترتیب با اجرای اصلاحات دولتی، تغییراتی در ساختار حیات اجتماعی و اقتصادی آنجا به وجود آمد و بخشی از بودجهٔ نوسازی در این استان صرف گردید (رسولی‌پور، ۱۳۹۴: ۵۸). در گیرودار این تحولات زمانی که عمر مجلس بیست و یکم به سر آمد، با صدور فرمان تجدید انتخابات مجلس، در کرمانشاه نیز مقدمات این کار فراهم شد.

۷- برگزاری انتخابات و معرفی نمایندگان به مجلس

بنا به امر حکومت مرکزی و وزارت داخله، به موجب تلگرافی، روز چهارشنبه ۲۸ تیرماه پرونده انتخاباتی بیست و دومین دوره قانون‌گذاری حوزه انتخابیه کرمانشاه، به موجب دستور شماره ۲۶۴۴- ۱۳۴۶/۴/۲۵ وزارت کشور و در اجرای ماده ۱۴ قانون انتخابات، تسلیم فرمانداری کرمانشاه گردید. در اجرای این دستور، از ۲۶ نفر طبقات شش‌گانه و ۱۲ نفر معتمدین محل یعنی علما، اعیان، ملاکین، تجار، زارعین، معتمدین محلی و اصناف دعوت به عمل آمد و اعضای اصلی و علی‌البدل و هیئت‌رئیس و انجمن‌های فرعی تعیین و سایر تشریفات قانونی انجام پذیرفت (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره بیست و دوم، جلسه دو، یکشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۴۶). با موافقت مهدوی فرماندار کرمانشاه، بیست‌وهشت پایگاه به مرکزیت مسجد عمادالدوله، به عنوان محل اخذ رأی تعیین گردید (کشاورز و ططری، ۱۳۹۰: ۶۶۷-۶۶۵). نامزدهای انتخاباتی این دوره، مهرانگیز دولتشاهی، منوچهر ضرابی، حسن نراقی، حسین علوم، حسن رزقی، محمدکاظم زرافشار، تیمسار جوانشیر، حسین غلام نیاکان، منصور نورانی (نماینده کلیمی‌ها)، کالیک (نماینده آشوری‌ها و کلدانی‌ها) بودند که در این راستا با هم به رقابت پرداختند (کشاورز و ططری، ۱۳۹۰: ۶۸۵-۶۸۴). انجمن نظارت برای اقلام موردنیاز جهت رأی‌گیری و رعایت ماده ۳۷ آئین‌نامهٔ اجرای قانون انتخابات مبنی بر برگزاری یک روزهٔ اخذ آراء، تشکیل جلسه داده و فرمانداری آگهی‌های انتخاباتی را به تمام

حوزه‌ها مخابره کرد. طبق قانون انتخابات باید پانزده روز میان اعلان تاریخ انتخابات و زمان اخذ رأی فاصله می‌بود. یعنی افراد حائز شرایط رأی‌دهی می‌بایست از روز اعلان تاریخ انتخابات برای گرفتن کارت‌های الکترا ل اقدام می‌کردند و این امر تا روز اخذ رأی در حوزه‌های انتخابیه که توسط وزارت کشور اداره می‌شد، ادامه داشت و در نهایت در روز اخذ آراء، کارت‌های الکترا ل خود را به صندوق‌های رأی‌گیری می‌ریختند. بنابراین، قانون، چون روز اخذ آراء جمعه سیزدهم مردادماه اعلام کرده بود، کارت‌های الکترا ل از ۳۰ تیرماه در حوزه‌های انتخابیه توزیع شد. بعد از فراهم شدن مقدمات برگزاری انتخابات، کار رأی‌گیری در روز جمعه ۱۳ مرداد ۱۳۴۶ به صورت هم‌زمان در تمام شعب اخذ آراء آغاز گردید (کشا ورز و ططری، ۱۳۹۰: ۶۸۳).

تنها گزارش مکتوب و مستندی که درباره انتخابات این مرحله وجود دارد، گزارش انجمن مرکزی انتخابات کرمانشاه است. طبق این اسناد، انتخابات این شهر بدون هیچ مانع و مشکلی در این روز به انجام رسیده و در پایان رأی‌گیری، بلافاصله شروع به شمارش آراء مأخوذه شده و در نتیجه از ۲۲۴۰۶ رأی، بانو مهرانگیز دولتشاهی با اکثریت ۲۰۵۰۲ رأی نفر اول و حسین غلام نیاکان با اکثریت ۱۹۴۱۲ رأی منتخب دوم، به مجلس شورای ملی راه پیدا کردند (کشا ورز و ططری، ۱۳۹۰: ۶۹۰). شعبه ششم، صحت جریان انتخابات بیست و دومین دوره قانون‌گذاری شهرستان کرمانشاه و نمایندگی این دو را تأیید نمود و همچون سایر دوره‌های انتخابات، در این مرحله نیز به موجب آگهی انجمن و مواد ۳۹ و ۴۱ قانون انتخابات مبنی بر ارسال شکایت و نارضایتی از برگزاری انتخابات به محل انجمن، مدت یک هفته برای این مهم در نظر گرفته شد که عاقبت طبق گزارش رئیس انجمن، حاج نور محمد رزاز، هیچ گونه شکایتی در این زمینه، به دفتر فرمانداری و انجمن واصل نشد. آخرین اقدام قانونی انجمن نظارت بر انتخابات، صدور اعتبارنامه منتخبین بود تا برای معرفی به مجلس شورای ملی آماده شوند. بنابراین اعتبارنامه خانم دولتشاهی و آقای نیاکان را قرائت و صادر کردند. طبق ماده

۳۴ قانون انتخابات، آرای مأخوذه با حضور فرماندار و اعضای انجمن نظارت و برخی از اهالی سوزانده شد (قانون انتخابات مجلس شورای ملی، ۱۳۲۲: ۱۰).

براساس گزارش‌های انجام‌شده این نماینده‌ها در حوزه‌های مختلف اقدامات مفیدی انجام دادند. به‌ویژه دولتشاهی که در حوزه زنان و برپایی کلاس‌های آموزشی و دوره‌های دانش‌افزایی، کمیسیون‌ها و جلسات سخنرانی و بهبود وضع اجتماعی و آموزشی (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره بیست‌ویک، جلسه ۷، پنجشنبه ۹ آبان ۱۳۴۲) و تأسیس مراکز بهداشتی و صنعتی تلاش مضاعف نمود و در سخنان خود خطاب به مسئولین ذیربط بر ایجاد هر چه زودتر این مراکز و رفع نیاز مردم تأکید می‌نمود (مشروح مذاکرات مجلس ملی، دوره بیست‌ویک، جلسه ۲۱۶، سه‌شنبه ۲ آذرماه ۱۳۴۴). همین‌طور، ایجاد مقدمات سفر هیئت دولت به کرمانشاه، و تلاش برای تأسیس کارخانه پتروشیمی و منابع آبی و احداث سد و آبگیر در سطح استان که دولتشاهی در جلسات بعدی مجلس برنامه‌ریزی و پیگیری نمود (مصاحبه شاهرخ مسکوب با مهرانگیز دولتشاهی، پاریس، نوار ۶، ۱۸ مه ۱۹۸۴: ۱۷۳-۱۷۲). وی برخلاف بسیاری از وکلای دوره‌های پیشین، از نزدیک با مردم رابطه برقرار کرده و مطالبات آنان را به گوش مسئولین می‌رسانید و بدون شک خوش‌بینی‌های زیاد در سطح کرمانشاه نسبت به او، در تجدید دوره و کالایش در مجلس بیست و دوم و دوره بعد نقش بسزایی داشت. اگرچه اطلاعات چندانی دربارهٔ انتخابات کرمانشاه در دست نیست، اما با توجه به غلبهٔ حزب ایران نوین بر حیات حزبی و سیاسی کشور و نیز دولتشاهی و نیاکان از معتمدین و منتخبین این حزب به شمار می‌رفتند طبیعتاً این عامل نیز به‌نوبه‌خود توانسته بود در پیروزی آنان نقش مهمی ایفا نماید. دولتشاهی خود اذعان می‌کند که از اوایل دههٔ چهل، مردم آموخته بودند که تا حد ممکن از طریق حزب، به اهداف و خواسته خود دست یابند (مصاحبه شاهرخ مسکوب با مهرانگیز دولتشاهی، پاریس، نوار ۶، ۱۸ مه ۱۹۸۴: ۱۶). اما به‌هرروی، شکاف و تضاد بین دولت و ملت، پس از حوادث خرداد و غلبهٔ روحانیت، همچنان مشهود بود و این اقدامات و

اصلاحات در نهایت نتوانست به نتیجه مطلوبی که باید منجر گردد. شکل‌گیری نهضت اسلامی در بسیاری از شهرها به‌ویژه کرمانشاه به تبعیت از پایتخت، فضایی پرتنش و ناآرامی ایجاد کرده بود و برخوردهای مأمورین دولت با مخالفان، ذهنیتی ناخوشایند نزد مردم علیه شاه و ایادی او شکل داد. حاج شیخ عبدالجلیل جلیلی و شیخ مصطفی جلیلی کرمانشاهی تا سال‌های پس از انقلاب بر این مقام باقی مانده و همچنان رهبری ارشد مبارزات مردمی شهر کرمانشاه در دو دهه پایانی رژیم پهلوی را برعهده داشتند (فلسفی، ۱۳۷۶: ۲۰۱). به دنبال این جریان‌ها در بسیاری از ولایات از سوی دسته‌جات مذهبی و علمای تراز اول با همکاری بازاریان و اصناف و دیگر اقشار مردم، این روند و نهضت تا پیروزی انقلاب اسلامی در این شهر ادامه پیدا نمود.

نتیجه‌گیری

بخش مهمی از درک تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در دوره‌ی سلطنت محمدرضا شاه، معلول شناخت علل و روند برگزاری انتخابات مجلس شورای ملی است. موضوعاتی همچون نفت، مناسبات خارجی، موج دوم تجدد و نوسازی آمرانه و برنامه‌های عمرانی و توسعه محور که در دهه‌ی ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ش. مطمح‌نظر قرار گرفت، شاه و اطرافیان را بر آن داشته تا برای رعایت ظواهر مشروطیت و گذراندن راه‌های قانونی، علی‌الخصوص بعد از وقایع سال ۱۳۳۲ش و سرکوب مخالفان، به مداخله گسترده پرداخته و در زمینه برگزاری انتخابات مجلس، حساسیت بیشتری نشان دهند تا برنامه‌ها و لوایح موردنظر بدون مخالفت جدی طرح و تصویب شود. بنابراین، در بیشتر حوزه‌های انتخابیه، نمایندگان مجلس چندین بار پیاپی به این مقام نائل می‌شدند و با تمدید دوره وکالت آنها، مجلس به نهادی غیرفعال و محلی برای امضاء و تأیید بدل گردید.

در بررسی وضعیت انتخابات در کرمانشاه که یکی از مهم‌ترین حوزه‌های انتخاباتی ایران به‌شمار می‌رفت، باید به چند نکته مهم توجه شود. در وهله نخست کرمانشاه با داشتن اراضی وسیع کشاورزی، یکی از پایگاه‌های اصلی نظام ارباب - رعیتی در کشور به‌شمار می‌رفت. بنابراین، تا قبل از اجرای برنامه اصلاحات ارضی، بزرگ مالکان و زمینداران اصلی در آن دیار، در تحولات داخلی و به‌ویژه امر انتخابات مجلس و انتخاب وکلا، نقش بسیار پررنگی داشتند. این نفوذ پس از اصلاحات نیز، به‌طور کامل از بین نرفت و هم‌چنان قدرت و کنشگری نسبی آنان در امر رأی‌دهی رعایا تداوم داشت. موضوع دیگر فعالیت و کنشگری احزاب ریز و درشت و نقش آنها در تبلیغ پیرامون نامزدهای موردنظر خود بود. به موازات تغییر شکل‌بندی اقتصادی و اجتماعی و تحولات در شهر کرمانشاه همچون دیگر نقاط مهم کشور، احزاب و جریان‌های متعدد سیاسی به وجود آمد. احزاب دولتی و فرمایشی مانند ایران نوین، ملیون و مردم و در نهایت حزب رستاخیز، جای احزاب پیشین را گرفتند و نقش مردم در انتخابات عملاً کاهش یافت. در بیشتر انتخابات این دوره، اسامی نامزدهای مورداطمینان رژیم قبل از انتخابات، به فرمانداری و استانداری‌های مختلف داده می‌شد تا زمینه برای تأیید این افراد فراهم شود. به‌ترتیب، انتخابات در کرمانشاه هم به‌مانند دیگر حوزه‌ها ماهیتی نمادین پیدا کرده و تخلفات انتخاباتی برای گزینش نامزدها برای رسیدن به امیال خود شدت یافت. نکته مهم دیگر، راهیابی یکی از معدود زنان نماینده کشور از حوزه انتخابیه کرمانشاه به مجلس بود. خانم مهرانگیز دولت‌شاهی توانست در این حوزه با کسب اکثریت آراء، در سه دوره متوالی در صدر جدول انتخابات قرار گیرد. قابل‌کتمان نیست که قریب به‌اتفاق وکلای حوزه کرمانشاه، از میان زمینداران و کارمندان دولت و تحت حمایت دولت و یا احزابی خاص انتخاب می‌شدند و همین‌طور، در تشریح وضعیت انتخابیه خود، انتقادی از رژیم و سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و اقتصادی آن نداشتند و دولت‌شاهی هم از این مسئله مستثنی نبود. اما براساس اسناد موجود که به تعدادی از آنها اشاره شد، نشان می‌دهد دولت‌شاهی، برخلاف

بسیاری از نمایندگان که پس از انتخاب شدن به مطالبات مردم توجه نمی کردند، وی به عنوان یکی از چهره‌های فعال در امور زنان و غیره، تلاش می کرد تا ارتباط نزدیکی با مردم برقرار کند و مکاتبات آنان را رسیدگی کرده و به گوش مسئولین مربوطه برساند. این اقدامات موجب ایجاد خوش بینی های زیادی در سطح کرمانشاه نسبت به وی کشته بود.

کتابنامه

الف) اسناد:

ساکما (سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران): ش. ۲۹۳/۲۵۲۳، ۲۹۲/۱۲۳۹، ۲۹۷/۵۲۴۷، ۲۹۳/۲۴۶۴، ۲۳۲/۶۲۲، ۲۹۷/۳۴۱۱۱، ۲۹۳/۱۱۹۲۹۲

کمام (کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی): ش. بازیابی ۶۶۰/د

مراسان (مرکز اسناد انقلاب اسلامی) ش. پرونده حمله به مدرسه فیضیه، تلگراف ش. ۸۱۰۵، مورخه ۱۳۴۱/۱۲/۲۸، ش. بازیابی ۷۹۸، ص ۲۹-۳۰. ش. بازیابی ۲۶۱، صص ۵۳ و ۵۸. ش. بازیابی ۱۶۳، ص ۵۰. ش. بازیابی ۸، ص ۸۰. ش.

مشروح مذاکرات مجلس ملی: دوره بیست و یک، جلسه ۲، سه شنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۴۲.

مشروح مذاکرات مجلس ملی: دوره بیست و یک، جلسه ۷، پنجشنبه ۹ آبان ماه ۱۳۴۲.

مشروح مذاکرات مجلس ملی: دوره بیست و یک، جلسه ۲۱۶، سه شنبه ۲ آذرماه ۱۳۴۴.

مشروح مذاکرات مجلس ملی: دوره بیست و دوم، جلسه دو، یکشنبه ۲۳ مهرماه ۱۳۴۶.

ب) کتاب

آبادیان، حسین، دو دهه واپسین حکومت پهلوی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی،

۱۳۸۷.

آبراهامیان، یرواند، **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه احمد گل محمدی، محمد ابراهیم فتاحی، تهران: نی، ۱۳۸۸.

الموتی، مصطفی، **بازیگران سیاسی**، ج ۳، لندن: پکا، ۱۳۵۷.

الموتی، مصطفی، **ایران عصر پهلوی**، ج ۱۲، لندن: پکا، ۱۳۷۱.

امینی، علی، **بر بال بحران: خاطرات**، تهران: ماهی ۱۳۸۶.

امجد، محمد، **ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین‌سالاری**، ترجمه حسین مفتخری، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران ۱۳۸۰.

احمدی‌خراسانی، نوشین، اردلان، پروین، **سناتور: فعالیت‌های مهرانگیز منوچهریان بر بستر مبارزات حقوقی زنان در ایران**، تهران: توسعه، ۱۳۸۲.

بهبزادی، علی، **شبه خاطرات**، ج ۱، تهران: قیام، ۱۳۷۵.

بازرگان، مهدی، **یادداشت‌های روزانه**، تهران: قلم، ۱۳۷۶.

باقی، عمادالدین، **بررسی انقلاب ایران**، تهران: سرایی، ۱۳۸۳.

بامداد، بدرالملوک، **زن ایرانی از انقلاب مشروطه تا انقلاب سفید**، تهران: کتابخانه ملی، ۱۳۴۷.

بهرامی، روح‌الله، **انقلاب اسلامی در کرمانشاه**، ج ۱، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.

بهنود، مسعود، **از سید ضیاء تا بختیار**، تهران: علم، ۱۳۶۹.

بشیریه، حسین، **زمینه‌های اجتماعی انقلاب ایران**، ترجمه علی اردستانی، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۵.

پهلوی، محمدرضا، **انقلاب سفید**، تهران: بانک ملی ایران، ۱۳۴۵.

پیرنیا، منصوره، **سالار زنان ایران**، واشنگتن: بی‌نا، ۱۳۷۴.

حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، ج ۱، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۰.

دوانی، علی، **نهضت روحانیت ایران**، ج ۳، تهران: بنیاد فرهنگی امام رضا (ع)، بی‌تا.

دولتمردان عصر پهلوی به روایت اسناد ساواک، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۵.

- دهنوی، محمد، قیام خونین پانزده خرداد به روایت اسناد، تهران: رسا، ۱۳۶۰.
- رحمانیان، داریوش، ایران بین دو کودتا، تهران: سمت، ۱۳۹۱.
- رسولی‌پور، مرتضی، گفتگو با عباس سالور، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۹۴.
- رنجبرعمرانی، حمیرا، سازمان زنان ایران، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر، ۱۳۸۵.
- روحانی، سید حمید، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، تهران: بی‌نا، بی‌تا.
- زونیس، ماروین، شکست شاهانه، ترجمه اسماعیل زند و بتول سعیدی، تهران: نشر نو، ۱۳۷۱.
- سنجابی، کریم، امیدها و ناامیدی‌ها، لندن: جبههٔ میلون، ۱۳۶۸.
- شاهدی، مظفر، سه حزب: مردم، ملیون و ایران نوین، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۷.
- شجیعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران: نمایندگان مجلس، ج ۴، تهران: سخن، ۱۳۸۳.
- طلوعی، محمود، چهره‌ها و یادها (خاطراتی از گذشته)، تهران: نشر علم، ۱۳۸۱.
- عاقلی، باقر، شرح حال رجال سیاسی و نظامی، ج ۲ و ۳، تهران: گفتار، ۱۳۸۰.
- عاقلی، باقر، نخست‌وزیران ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی، تهران: جاویدان، ۱۳۷۴.
- عالیخانی، علینقی، خاطرات، در گفتگو با غلامرضا افخمی، تهران: نشر آبی، ۱۳۸۵.
- فردوست، حسین، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی خاطرات ارتشبد سابق حسین فردوست، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۹.
- فرمانفرمائی، خداداد، توسعه در ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰، ویراستار غلامرضا افخمی، تهران: گام نو، ۱۳۸۱.
- فلسفی، محمدتقی، خاطرات و مبارزات، به کوشش حمید روحانی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۶.
- فوران، جان، مقاومت شکننده: تاریخ تحولات اجتماعی ایران: از سال ۱۵۰۰ میلادی مطابق با ۸۷۹ شمسی تا انقلاب اسلامی، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۸۸.

فهرست اسامی و مشخصات نمایندگان ۲۴ دوره مجلس شورای ملی، تهران: دفتر انتخابات وزارت کشور، ۱۳۶۸.

فیروزان، کیاکسار، خدمتگذاران ملک و ملت، تهران: آتوسا، ۱۳۴۳.

قانون انتخابات مجلس شورای ملی، تهران: خودکار، ۱۳۲۲.

کاتوزیان، محمد علی، اقتصاد سیاسی ایران: از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمد رضا نفیسی، کامبیز عزیزی، نشر مرکز، ۱۳۹۴.

کمالی، مسعود، جامعه مدنی، دولت و نوسازی در ایران معاصر، ترجمه کمال پولادی، تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران، ۱۳۸۱.

کشاوری، اردشیر، ططری، علی، اسناد انتخابات مجلس شورای ملی کرمانشاهان، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای ملی، ۱۳۹۰.

گازیوروسکی، مارک. جی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ترجمه فریدون فاطمی، تهران: مرکز، ۱۳۷۱.

لاینگ، مارگارت، مصاحبه با شاه، ترجمه اردشیر روشنگر، تهران: البرز، ۱۳۷۱.

لیلز، سعید، موج دوم تجدد آمرانه در ایران، تهران: نیلوفر، ۱۳۹۲.

محتشمی، علی اکبر، خاطرات، تهران: سوره مهر، ۱۳۷۶.

مدیرشانه چی، محسن، احزاب سیاسی ایران، تهران: رسا، ۱۳۷۵.

مروارید، یونس، از مشروطه تا جمهوری: نگاهی به ادوار قانون گذاری در دوره مشروطیت، ج ۲، تهران: اوحدی، ۱۳۷۷.

مقصودی، مجتبی، تحولات سیاسی اجتماعی ایران ۱۳۲۰-۱۳۵۷، تهران: روزنه، ۱۳۹۵.

ملایی توانی، علیرضا، زندگینامه سیاسی آیت الله طالقانی، تهران: نی، ۱۳۸۹.

نجاتی، غلامرضا، جنبش ملی شدن صنعت نفت ایران و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، تهران: سهامی انتشار، ۱۳۶۵.

روند انتخابات مجلس شورای ملی در دهه ۱۳۴۰ تا ۱۳۵۰ شمسی (مطالعه موردی کرمانشاه) ۹۱

نجاری‌راد، تقی، ساواک و نقش آن در تحولات داخلی رژیم شاه، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۶۵.

نجمی، ناصر، بازیگران سیاسی عصر رضاشاهی و محمدرضا شاهی، تهران: انشتین، ۱۳۷۳.

نظری، منوچهر، زنان در عرصه قانون‌گذاری، تهران: کویر، ۱۳۹۵.

یادداشت‌های سیاسی ایران، آرام. بارل، ترجمه افشار امیری، ج ۱۴، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۹.

Mooadel. Mansoor, Class, **Politics and Ideology in The Iranian Revolution**, New York, Colombia University Press, 1993.

ج) مقالات و نشریات

آذرنگ، عبدالحسن، «علی‌امینی و ریشه‌های شکست او»، بخارا، س ۱۰، ش ۲، ۱۳۸۶.

حضرتی، حسن، «آیت‌الله بروجردی و اصلاحات ارضی»، پیشینه، ش ۳، ۱۳۸۲.

زندیه، حسن، نظری قنبری، سهیلا «بررسی انتخابات و عملکرد نمایندگان کرمانشاه در مجلس شورای ملی بیست و یکم»، اسناد بهارستان، ش ۱۲، ۱۳۹۷.

میرعلاء، جهانگیر، «کانون مرقی»، وحید، ش ۸۵، ۱۳۴۹.

اطلاعات: ۱۶ اردیبهشت ۱۳۴۱، ش ۱۰۷۹۳؛ ۲۵ آذر ۱۳۴۲، ش ۱۱۲۵۳؛ ۴ آذر ۱۳۴۲، ش ۱۱۲۵۳؛ ۲۱

اردیبهشت ۱۳۴۲، ش ۱۱۰۸۹؛ ۲۴ آبان ۱۳۴۱، ش ۱۰۹۵۰.

اطلاعات بانوان: ۱۵ بهمن ۱۳۴۱، ش ۳۰۲؛ ۲۰ مهر ۱۳۴۲، ش ۳۳۳.

روزنامه خسروی: ۱۰ مرداد ۱۳۴۲، ش ۳۰۶؛ ۲۲ مرداد ۱۳۴۲، ش ۳۰۹.

خواندنیها: ۲۷ تیر ۱۳۴۶، ش ۸۷؛ ۶ دی ۱۳۴۵، ش ۳۰؛ ۱۲ شهریور ۱۳۴۲، ش ۱۰۰؛ ۲۶ شهریور ۱۳۴۲، ش ۱۰۴.

کیهان: ۱۰ شهریور ۱۳۴۲، ش ۶۰۳۲.

مهر ایران: ۲۱ دی ۱۳۴۴، ش ۲۵۲۹.

ندای ایران نوین: ۱۴ اردیبهشت ۱۳۴۶، ش ۶۴۱.

(د) مصاحبه

دولتشاهی، مهرانگیز، خاطرات، مصاحبه شیرین سمیعی، پاریس: بی‌نا، ۱۳۶۲.

دولتشاهی، مهرانگیز، نوار ۶، مصاحبه شاهرخ مسکوب با دولتشاهی، پاریس، ۱۳۶۳.

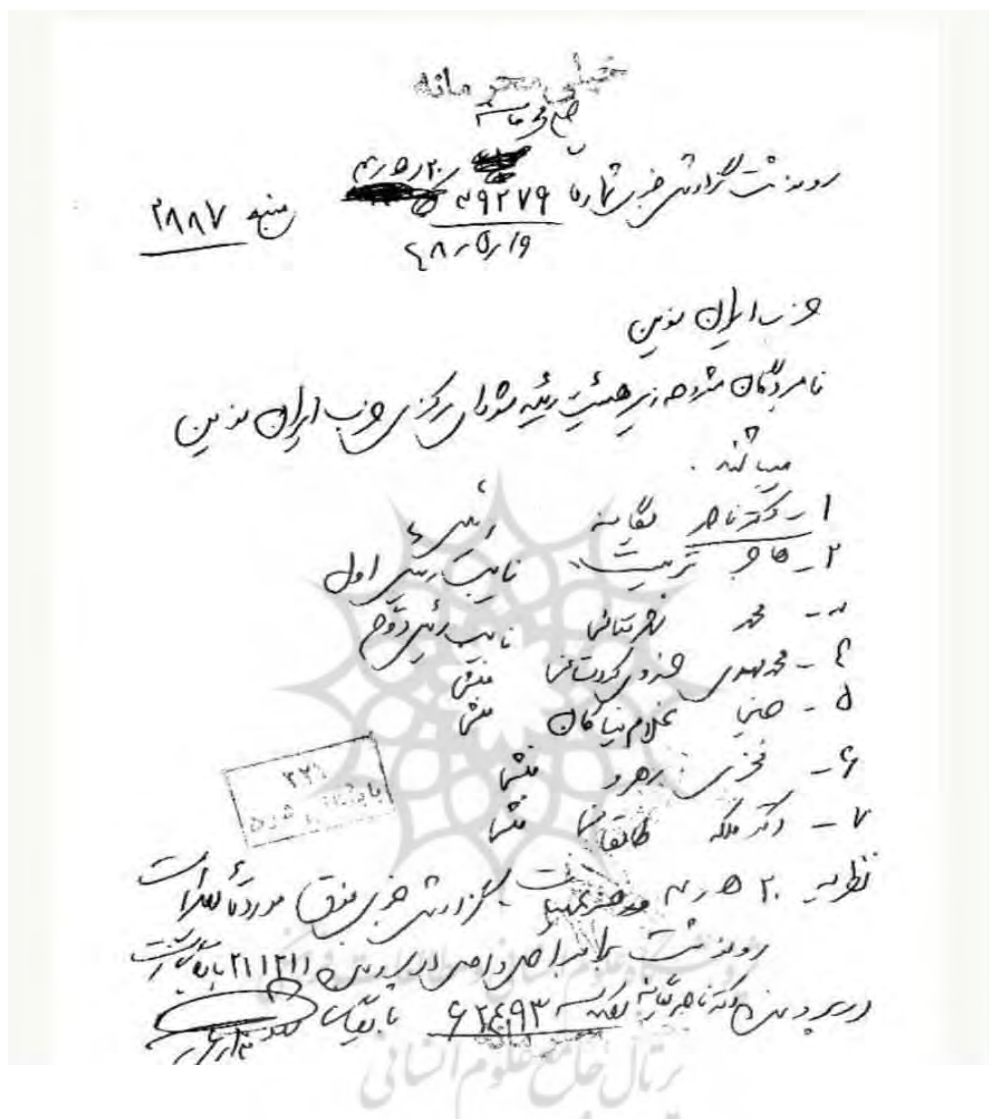




اعتبارنامه نمایندگی خانم مهرانگیز دولتشاهی در بیست و دومین انتخابات مجلس شورای ملی
در کرمانشاه

سند شماره ۲

حسین غلام نیاکیان



سند شماره ۳

گزارشی از اعضای هیئت رئیسه شورای مرکزی حزب ایران نوین

شماره
تایید
پست

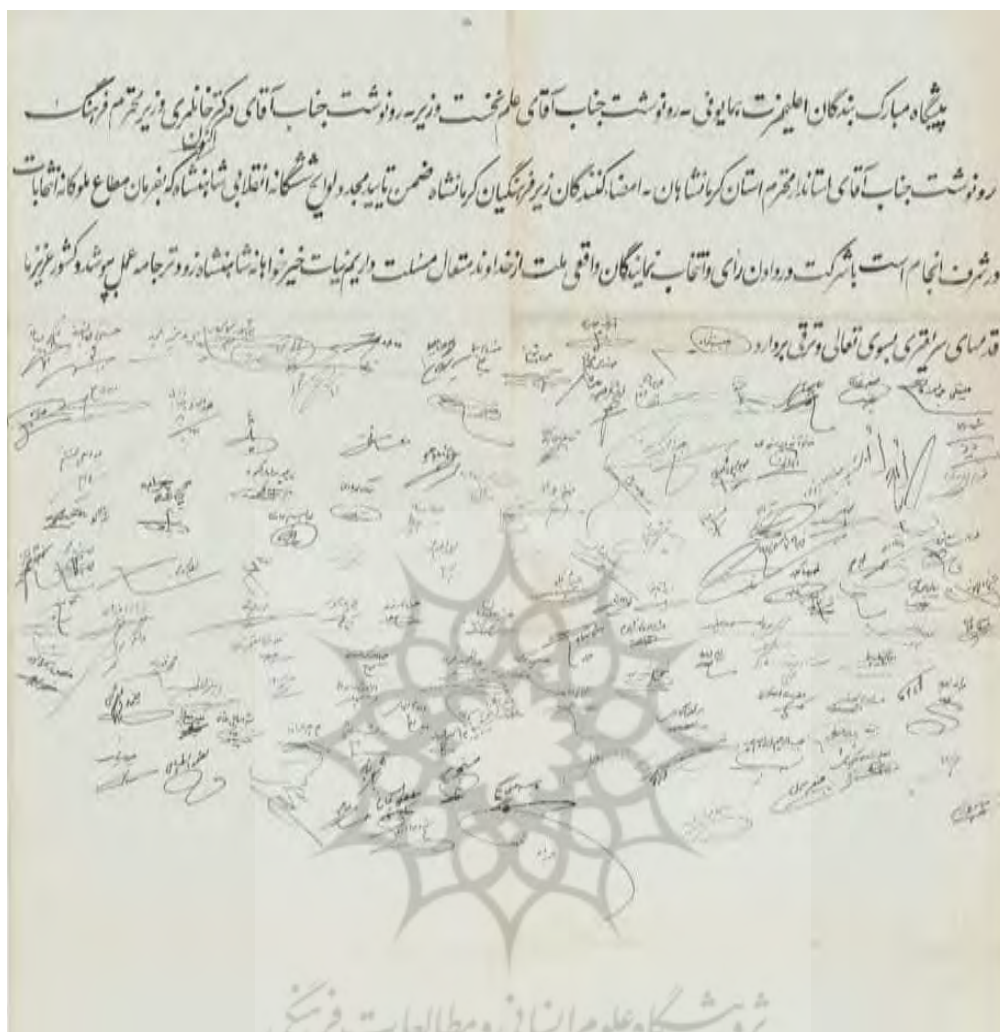
۱۰


 مجلس سنا

اداره	حوزه های تعداد عمومی نماینده انتخابی هر حوزه عمومی	شماره ترتیب انتخابی	نام حوزه انتخابی	توابع حوزه انتخابیه	مرکز حوزه انتخابی	نماینده
استان کرمانشاهان	۹۳	سقز و بانه	شهر سقز و بخش حومه - شهر بانه و بخش حومه - بخشهای - پهلودژ - البت و شهر -	سقز	۱	
	۹۴	قروه	شهر قروه و بخشهای - حومه - و بیلاق -	قروه	۱	
	۹۵	بيجار	شهر بيجار و بخش حومه -	بيجار	۱	
	۹۶	کرمانشاه	شهر کرمانشاه و بخش حومه -	کرمانشاه	۲	
	۹۷	قصرشهرین	شهر قصرشهرین و بخشهای - حومه -	قصرشهرین	۱	
	۹۸	پاوه	سریک زهاب - سومار - گیلان غرب - شهر پاوه و بخشهای حومه - جوانرود - باباجانی - روانسر - بانیکان - نوسور -	پاوه	۱	
	۹۹	شاه آباد غرب	شهر شاه آباد و بخشهای - حومه - کرد -	شاه آباد	۱	
	۱۰۰	سنقر و کلیانی	شهر سنقر و بخش حومه -	سنقر	۱	
استان گیلان	۱۰۱	کنگاور	بخش کنگاور - بخش صحنه و بخش هرسین -	کنگاور	۱	
	۱۰۲	رشت	شهر رشت و بخشهای - حومه - لشت نشاء - کوچصفهان -	رشت	۱	

سند شماره ۴

گزارشی کلی از تعداد نمایندگان، نام حوزه‌ها، توابع انتخابیه و مراکز اصلی در کرمانشاه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رساله علمی-پژوهشی
سند شماره ۵

تأیید لوایح شش گانه و اعلام شرکت در انتخابات مجلس شورای ملی، از طرف برخی از فرهنگیان
در برابر تضادهای ایجاد شده در جامعه